

زبان حال

بازخوانی «زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی»

بهمن خلیفه*



زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی
نصرالله پورجوادی
انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۵

آن موضوع چه حجم گسترده‌ای را در عرصه ادبیات شامل می‌شود و چه بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از این موضوعات بحث «زبان حال» است و یکی از پژوهشگرانی که این مسیر را طی کرده، دکتر نصرالله پورجوادی است. آنچه دستمایه دکتر پورجوادی در کتاب ارزشمند «زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی» قرار گرفته، از موضوعاتی است که برخلاف انتظار، نفوذ گسترده‌ای در حوزه ادبیات فارسی و همچنین ادبیات ملل دیگر داشته است و از قدیم به عنوان یک شگرد در آفرینش آثار ادبی به کار می‌رفته است. «ابهامی که در معنی زبان حال وجود دارد اولاً تا حدودی حاصل معانی مختلفی است که از برای لفظ حال در نظر گرفته‌اند. بعضی این لفظ را به معنای وضع یا حالت درونی یا کیفیت نفسانی انسان در نظر گرفته و زبان حال را اندیشه‌ای اظهار نشده از این وضع یا حالت درونی انگاشته‌اند... پاره‌ای دیگر که معمولاً از ذوق عرفانی

دی کوزه‌گری بدیدم اندر بازار
بر تازه گلی همی لگد زد بسیار
وان گل به زبان حال با او می‌گفت:
«من همچو تو بودام، مرا نیکو دار»

حکیم خیام نیشابوری

در پژوهش‌های ادبی، بعضی موضوعات هستند که به علت ابهامی که در مفهوم و معنای آنها وجود دارد، در ابتدای امر شاید به نظر پژوهشگر برسد که این موضوع در فلان حوزه ادبی، چندان جلوه‌ای نداشته و مطلب زیادی نمی‌توان در این باره در عرصه ادبیات به دست آورد اما رفته‌رفته با پژوهش و جست‌وجو در متون و آثار ادبی و کشف جنبه‌های بیشتری از موضوع مورد نظر و روشن شدن زوایای تاریک آن، معلوم می‌شود که

هم کم و بیش برخوردار بوده‌اند، معنای عمیق‌تر و خاص‌تری برای زبان حال در نظر گرفته‌اند که جنبه عرفانی دارد. نزد این عده، حال به معنای کیفیت یا حالتی است که از جانب خداوند متعال و به تعبیری از آسمان وقت، بر دل ارباب احوال و مواجید نازل می‌شود و چندان نمی‌پاید، به خلاف مقام که پایدار است...

هیچ یک از این دو برداشت با معنایی که در اصل و لااقل تا قرن هفتم، از «زبان حال» اراده می‌شده است مطابقت ندارد. چه، زبان حال نه اختصاص به ارباب مواجید و اهل سلوک داشته است و نه حتی به عموم افراد بشر، بلکه علاوه بر انسان، حیوان و نبات، افلاک و فرشتگان، عرش و کرسی، بهشت و دوزخ، مرده و گور، شب و روز، خاک و آب و باد و آتش، درخت و گل و میوه و سنگ و کوه، مفاهیم و معانی گوناگون از قبیل عشق و علم و عدل و دولت و بخت، اجزاء بدن همچون زلف و چشم و گوش و ابرو، حتی اسافل اعضای بدن، باده و بنگ، شطرنج و نرد، نی و طنپور و دف همه می‌توانند به زبان حال سخن گویند.» (زبان حال، ص ۲۵ و ۲۶)

دکتر پورجوادی در مقدمه اشاره می‌کند که «مراد از زبان حال، همان حالتی است که در صورت شخص یا حیوان نمودار می‌شود. با توجه به مثال کودک [که در حالت گرسنگی می‌گرید و آثار آن حالت در چهره و تمام وجود او پیدا و آشکار است] می‌توان گفت که حالت گرسنگی و بی‌تابی او به مراتب گویاتر از آن است که مثلاً شخص بزرگسالی بگوید من گرسنه‌ام... زبان حال، نمایش حالت یا صفتی درونی است و لذا هر بیننده‌ای می‌تواند با دیدن این نمایش پی به خود آن حالت یا صفت ببرد» (همان، ص ۲۸)

«زبان حال به یک معنای دیگر نیز به کار رفته و آن شرح و بیانی است که شخصی ممکن است از حالات یا صفات موجودی بکند، بدون این که مدعی کشف و کرامات باشد. آن شرح و بیان در واقع به عبارت درآوردن حال یا کیفیت آن موجود است (خواه انسان باشد، یا حیوان یا نبات یا جماد)» (همان، ص ۲۹) در ادامه هم به رباعی معروف خیام اشاره می‌کند:

دی کوزه‌گری بدیدم اندر بازار

بر تازه گلی همی لگد زد بسیار

وان گل به زبان حال با او می‌گفت:

«من همچو تو بوده‌ام مرا نیکودار»

کتاب «زبان حال» دارای ۳ بخش عمده است (مجموعاً شامل ۳۶ باب):

بخش اول: شاعران و نویسندگانی که

به زبان حال سخن گفته‌اند (در ۱۵ باب)

بخش دوم: مناظرها (در ۱۱ باب)

بخش سوم: مفاهیم و مضامین و گونه‌های ادبی (در ۱۰ باب)

در گفتار حاضر، مروری اجمالی به مباحث مطرح در ابواب کتاب و در واقع یک بازخوانی گذرا خواهیم داشت.

بخش اول

بخش اول، شامل پانزده باب است و عمدتاً به شاعران و نویسندگانی که به زبان حال سخن گفته‌اند می‌پردازد، منتها قبل از پرداختن به شاعران، در باب اول اشاراتی به کاربرد زبان حال در ادبیات ملل قدیم، از جمله تمدن قدیم بین‌النهرین، متون قدیم یهودی، متون سریانی و ادبیات اروپایی شده است.

در میان اقوام سومری و آکادی پیکارها و مناظره‌هایی مثلاً بین بیل و خیش، تابستان و زمستان، درخت و نی، حواصیل و لاک‌پشت، غاز و زاغ، میش و گندم و... وجود دارد و نویسنده با قید احتمال، این اقوام را مبتکر نوع ادبی (ژانر) مناظره‌های زبان حال دانسته است. از مهم‌ترین مناظره‌ها، منظومه‌ای ۱۹۲ بیتی به زبان سومری است متضمن مناظره میان میش و گندم و داستان عقاب و مار در ادبیات آکادی. در تمدن بابلی نیز نمونه‌هایی از پیکارها و مناظره‌های زبان حال می‌توان نشان داد، از جمله پیکارهای بوته‌گر و نخل، گاو و اسب، مار و عقاب و داستان درخت بید.

در متون قدیم یهود نیز مناظره‌های زبان حال وجود دارد، از جمله در عهد عتیق (کتاب امثال سلیمان و کتاب داوودان) حکمت و دانایی به زبان حال، سخن می‌گوید و ندا در می‌دهد. همچنین مفاخره کوه‌ها یا مفاخره حروف الفبا در برخی متون عرفانی یهودی یا پیکار ماه‌ها یا فصول سال در برخی متون عبری وجود دارد.

در متون برجای مانده به زبان سریانی (از گونه‌های زبان آرامی) نیز پیکارهای زبان حال، عمدتاً تحت تأثیر ادبیات عبری و یونانی و تمدن‌های بین‌النهرین رواج داشته است، از جمله مثلاً مناظره‌ای میان درخت انار و بوته خار یا گفت‌وگویی میان شیطان و مرگ و شیطان و فاحشه، عدل و فضل و آسمان و زمین و این گفت‌وگوی اخیر، یعنی مناظره بین آسمان و زمین، ظاهراً قدیمی‌ترین مناظره از این نوع است (متعلق به قرن ۶ یا ۷ میلادی). پیکارهای دیگری از جمله پیکار رز و گندم یا درخت مو و سرو یا مفاخره ماه‌ها و فصول سال در متون قدیم سریانی می‌توان یافت و از

کلیله و دمنه و انوار سهیلی) به وجود آمده‌اند. از همه مهمتر، رامون لول نویسنده کاتالونیایی قرن ۱۳ میلادی در کتابی به نام «کتاب عاشق و معشوق» (که خود بخشی از یک رمان به نام «بلانکرنا» است) تحت تأثیر ادبیات صوفیانه مثلاً احمد غزالی (رساله سوانح) به شیوه بیان زبان حالی، علاوه بر عاشق و معشوق، خود عشق، بلبل، اشک، آه، ذکر و... را به سخن آورده است.

باب دوم این بخش اختصاص دارد به بحث درباره زبان حال در ادبیات ایران پیش از اسلام. آغاز سخن، با نقل قولی از ابن ندیم در الفهرست است که در آن به وجود داستان‌هایی زبان حالی (از زبان حیوانات) در ایران قدیم و علاقه شاهان به آنها اشاره کرده است و از آن جمله به کتاب‌های هزار افسان (یا افسانه)، خرافه و نزاهه و الدب و الثعلب (خرس و روباه) اشاره نموده است. البته هیچ کدام از اینها به دست ما نرسیده ولی مرزبان‌نامه و سندبادنامه از آثار زبان حالی ایران قدیم اکنون با روایتی دیگر در دست است.

دیگر، اشارهای است که هرودوت به سخن کورش می‌کند و در آن گفتار، کورش با استفاده از نقلی زبان حالی، برای سفیران یونانی بیان مقصود می‌کند. در دوره باستان، در ایران چهار اثر زبان حالی مهم می‌توان ذکر کرد. یکی کتاب «مینوی خرد» است که گفت‌وگوی میان «دانان» و «مینوی خرد» (نفس ناطقه یا عاقله آدمی - گوهری مجرد و آسمانی، همان عقل کلی در حکمت مشائی) است.

دیگری کتاب ارداویرافنامه که شرح سفری روحانی و معراج‌گونه مردی به نام «ویراف» به جهان دیگر است.

دیگر، کلیله و دمنه دوره ساسانی است که خود روایتی از اصل هندی به نام پنجانتترا و مهاباراتا است. دیگری منظومه «درخت آسوریگ» است. این منظومه مناظره‌ای است میان درخت خرما و بز. این منظومه به زبان پارتی یا پهلوی اشکانی بسیار به پیکارهای بین‌النهرینی شباهت دارد.

پس از بیان این مقدمات، یعنی ذکر سابقه حکایات زبان حالی در میان ملل قدیم و ایران باستان، نویسنده به دوره جدید ادبیات ایران می‌پردازد و طبعاً از پدر شعر فارسی، رودکی آغاز می‌کند. باب سوم به بیان

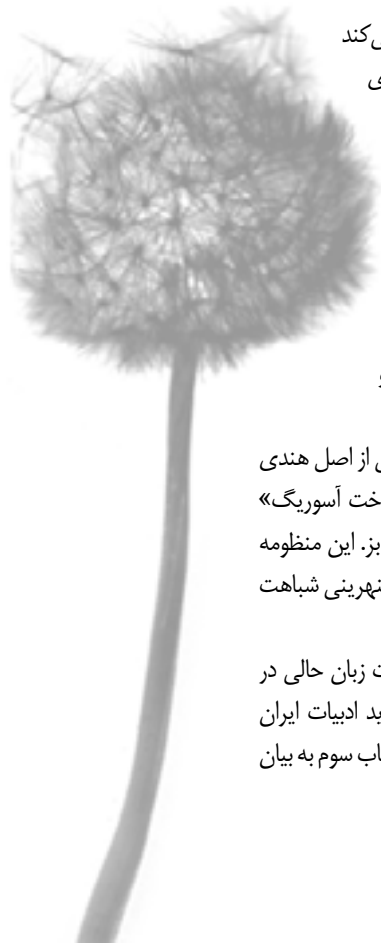
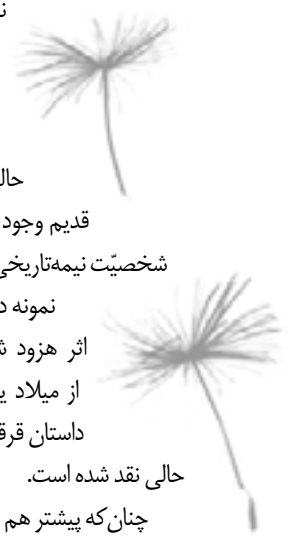
نمونه‌های متأخر، یکی گفت‌وگوی کتری چای و دو پسر است متعلق به قرن بیستم (چاپ شده در دو هفته‌نامه‌ای سریانی در ارومیه) اما در ادبیات یونان، مناظره‌های زبان حالی اغلب در نوع ادبی ویژه‌ای به نام «فابل» از قدیم وجود داشته است و اغلب در حکایت‌های منسوب به شخصیت نیمه‌تاریخی نیمه‌افسانه‌ای ازوپ کاربرد داشته است.

نمونه دیگر منظومه تعلیمی و اخلاقی «کارها و روزها» اثر هزود شاعر قرن هشتم پیش از میلاد یونانی است که در آن داستان قرقی و بلبل با بیانی زبان حالی نقد شده است.

چنان‌که پیشتر هم اشاره شد، از معروف‌ترین داستان‌های زبان حالی مربوط به ازوپ، حکایت زاغ خودپسند و حکایت درخت صنوبر و بوته خار است.

در ادامه سخن، دکتر پورجوادی بحثی بسیار سودمند راجع به گونه ادبی فابل (که در اصل به معنی حکایت و افسانه است و اصطلاحاً به حکایت‌هایی از زبان حیوانات یا گیاهان که با هم یا با انسان سخن می‌گویند اطلاق می‌شود) آورده است و در بخشی به فایده فابل از نظر فلاسفه یونان قدیم، چون ارسطو و افلاطون پرداخته و به سابقه فابل در ادبیات لاتینی و قرون وسطا اشاراتی کرده است. از جمله مثلاً از مناظره‌هایی میان خیر و شر یا فضیلت و ردیلت یا معارضه بهار و زمستان یا سوسن و گل سرخ در قرون وسطا در ادبیات لاتینی می‌توان یاد کرد. همچنین پیکار باده و آب که در ادبیات اروپایی قرون وسطا بسیار معروف بوده است. بحث در باب نمایشنامه‌های زبان حالی در قرون وسطا در میان اقوام اروپایی از بخش‌های بسیار مهم این باب است و از جمله به نمایشنامه‌هایی از ژان گرسن که به مناظره بین عقل و حواس پنجگانه می‌پردازد و یا نمایشنامه دیگری که گفت‌وگوی حواس پنجگانه و اندام آدمی است با لحنی سخره‌آمیز یا نمایشنامه توماس تومکیس به نام «زبان» که پیکاری است میان حواس پنجگانه و زبان (قرن ۱۷ میلادی) پرداخته است.

پایان بخش این باب، بحثی است درباره زبان حال در فلسفه نوافلاطونی و نقل‌هایی از کتاب «انتادها»ی افلوطین و نیز آثاری که در ادبیات اروپایی تحت تأثیر داستان‌های زبان حالی فارسی و عربی (مثلاً



ابیات و اشارات و حکایات موجود در شعر شاعران نامدار ایران می‌پردازد. ذکر ابیاتی از رودکی و بندار رازی، نقل گفت‌وگوی باز و زاغ از عنصری که در واقع منازعه‌ای است میان آن دو، بیان زبان حال انگور در شعر منوچهری دامغانی و اشاره به ترجیع‌بند فرخی سیستانی که در آن از زبان می سخن گفته و یا در اشعاری دیگر از زبان گل‌ها و باد و خرد و دهر و دریا و... سخن گفته، پیکارهای اسدی طوسی شاعر قرن پنجم در گرشاسپ‌نامه، اشاره به قصاید ناصر خسرو و مثنوی روشنائی‌نامه منسوب به او، بیان اشاره‌های زبان حالی امیر معزی در قصاید مدحیه خود، اشاره به قصیده زبان حالی شاعر دربار سلطان سنجر، کمالی بخارایی با مطلع:

زلف نگار گفت که: «از قیر چنبرم

شب صورت و شبه صفت و مشک پیکرم...

و سخن گفتن حکیم خیام نیشابوری از زبان کوزه و گل کوزه‌گری و بلبل و... در رباعیات از مباحثی است که دکتر پورجوادی در این بخش به تفصیل به آنها پرداخته و برای هر کدام شواهدی از اشعار این شاعران نقل کرده است.

به سبب اهمیتی که ابوحامد غزالی در بحث مطرح در این گفتار دارد، باب چهارم منحصرأ به بحث درباره‌ی او اختصاص یافته است.

از مباحث مهمی که غزالی در احیاء علوم‌الدین در باب جایگاه و اهمیت زبان حال در علم تفسیر قرآن به آن پرداخته، یکی مسأله تسبیح موجودات به زبان حال است. دکتر پورجوادی اشاره کرده است که از نظر غزالی، شناخت زبان حال از آن جهت حائز اهمیت است که زبان حال یکی از پنج قسم علم است که برای فهم معانی باطنی و اسرار قرآن ضروری است، چرا که برخی آیات قرآن زبان حال موجودات هستند. در ادامه، دکتر پورجوادی به تأویل و تفسیر غزالی از چند آیه از قرآن با توجه به مبحث زبان حال پرداخته و نمونه‌هایی را ذکر کرده است. مهم‌ترین مباحثی که دکتر پورجوادی درباره غزالی و حضور «زبان حال» در احیای علوم‌الدین مطرح کرده است، از این قرار است: حد استفاده از زبان حال در تأویل آیات قرآن و انتقادات غزالی از اهل سنت و حدیث، معجزات پیامبر(ص) و کرامات اولیاءالله و اشاره به مسأله سخن گفتن موجودات بی‌زبان با حضرت رسول(ص) و به طور کلی مسأله معجزه و زبان حال که نمونه آن سخن گفتن سنگ‌ریزه در دستان حضرت پیامبر(ص) است، بیان ۳ معنای متفاوت از زبان حال (۱) سخن گفتن شاعر و نویسنده از حالات و صفات موجودات که همان شگرد ادبی موضوع صحبت ماست، ۲. متمثل شدن حالت سخن گفتن موجودات در خواب یا در حس و

خیال، ۳. حال به معنای کیفیتی نفسانی و معنوی که به انسان به منزله موجودی ذی‌شعور دست می‌دهد، مانند زمانی که شخص بدون این که بر زبان چیزی بگوید، دل او و باطن او و بلکه سراسر وجود او متوجه حق تعالی باشد، او به زبان حال، لااله‌الاالله می‌گوید، تأویل عهد‌الست توسط غزالی، تأثیر غزالی در مصباح‌الارواح شمس‌الدین بردسیری، شاعر قرن هفتم، تأثیر غزالی در رشیدالدین فضل‌الله همدانی (مقتول ۷۱۷ هـ ق) که در یکی از رسایل خود در باب آیه «الست بربکم» سخن گفته است، تأثیر غزالی بر شیخ محمود شبستری در سعادت‌نامه در مسأله تسبیح موجودات به زبان حال.

دکتر پورجوادی، در ادامه به برخی حکایت‌های ابوحامد غزالی درباره مرگ اشاره می‌کند که در آن حکایات، با استفاده از شیوه زبان حال، به عنوان یک شیوه ادبی، برای تأثیرگذاری بر خواننده، کوشش کرده است. از نمونه این موارد می‌توان به مسأله واعظ خاموش بودن مرگ اشاره کرد و این که خود مرگ آدمی را به زبان حال، موعظه می‌کند. دیگر گفت‌وگوی شخص رو به مرگ، با ملک‌الموت است در دم آخر، یا گفت‌وگوی یکی از بزرگان صوفیه در عالم دیگر با ابلیس.

دکتر پورجوادی در باب پنجم به نقل موارد زبان حالی در آثار صوفیان قدیم پرداخته است، از جمله این صوفیان: ۱. ابواسحاق کازرونی معروف به شیخ مرشد (۴۲۶ - ۳۵۲) از مشایخ فارس که کتاب فردوس المرشدیه فی اسرارالصمدیه، ترجمه‌ای است از کتاب او (از عربی به فارسی) توسط محمدبن عثمان (قرن ۸) که گفت‌وگوی آب و روغن از این کتاب روایت شده است. ۲. شیخ ابوسعید ابوالخیر، صوفی بزرگ (فوت ۴۴۰ هـ ق). در کتاب اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوالخیر که توسط محمدبن منور نوشته شده، ماجرای سخن گفتن دریا با نان خشک از زبان شیخ نقل شده است و چند حکایت دیگر زبان حالی.

۳. خواجه عبدالله انصاری (فوت ۴۸۱ هـ ق). رشیدالدین میبیدی در کشف‌الاسرار برخی سخنان او را نقل کرده، از جمله حکایتی زبان حالی است متضمن گفت‌وگوی دل و جان، در ازل پیش از خلقت آدم و حوا و حکایتی دیگر شامل گفت‌وگوی مهر و دیدار یعنی عشق و حسن روی معشوق.

۴. احمد غزالی، برادر ابوحامد، از صوفیان اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم. «رسالة‌الطیر» احمد غزالی از مهم‌ترین داستان‌های زبان حالی. در یکی از نامه‌های شیخ احمد غزالی به صوفی بزرگ عین‌القضاة همدانی نیز یک گفت‌وگوی زبان حالی (گفت‌وگوی حکمای هند و روم

کرده است. داستان زبان حالی سمندری که در فصل پاییز به خانه بط به میهمانی می‌رود در رساله «فی حالة الطفولية» از این نوع حکایات است. همچنین گفت‌وگوهای موران درباره قطره ژاله بر برگی در رساله لغت موران یا داستان سنگ‌پشتانی در ساحل دریا و گفت‌وگوی آنها با مرغی خوش‌نقش و نگار (که دکتر پورجوادی آن را نمودگار حسین بن منصور حلاج می‌داند و سنگ‌پشتان را نمودگار مردم عادی یا علمای ظاهری) یا داستان خفاشان و نزاع آنها با حربا و... از داستان‌های زبان حالی است که در همین رساله لغت موران نقل شده است. سهروردی در رساله «مونس العشاق» درباره عشق و حسن و حزن و از زبان آنان سخن گفته است. این رساله، مهم‌ترین رساله زبان حالی شیخ است.

پس از سهروردی نیز عربشاه یزدی (قرن ۸) در منظومه «مونس‌العشاق» به پیروی از سهروردی، داستان عشق و حسن و حزن را به شیوه زبان حالی روایت کرده است. «مجالس‌العشاق» نیز از جمله آثاری است که تحت‌تأثیر «مونس‌العشاق» سهروردی حکایاتی به ظاهر تاریخی اما در واقع افسانه‌ای را به شیوه زبان حال نقل کرده است. این اثر احتمالاً از کمال‌الدین حسین گازرگاهی است. اینجا نیز بحث از عشق و حسن و حزن و ملاحات است. تقی‌الدین کاشی نیز در خلاصه‌الشعار و زبدة‌الافکار همان مضامین مونس‌العشاق سهروردی و مجالس‌العشاق را به نحوی تکرار کرده است.

در آثار عطار نیشابوری شاعر بزرگ ادب فارسی نیز حکایات زبان حالی متعددی می‌توان سراغ گرفت. از جمله داستان گفت‌وگوی مور و زنبور و کلوخ و سنگ و آتش و سوخته در حکایتی از الهی‌نامه، داستان مردی که صعوه‌ای می‌گیرد در همان مثنوی و... در تذکرة‌الاولیاء نیز حکایت گفت‌وگوی سگ با یازید بسطامی قابل توجه است که با تفصیل بیشتر در مصیبت‌نامه عطار نقل شده است. همچنین حکایت سخن گفتن پشه با سلیمان و شکایت او از باد در اسرارنامه یا تمام داستان اصلی اثر بزرگ عرفانی عطار، منطق‌الطیر و حکایات زبان حالی متعدد در آثار عطار نیشابوری.

دکتر پورجوادی در مقدمه کتاب اشاره کرده است که این کتاب به حکایات زبان حالی در پهنه ادبیات فارسی می‌پردازد اما به سبب اهمیتی که ابن‌عربی و افکار و آراء او دارد و عمق تأثیری که این شخصیت بزرگ عرفانی در صوفیان و ادب عرفانی فارسی (ادب اسلامی عموماً) گذاشته است، در بخشی مستقل (باب نهم) به بررسی زبان حال و به کارگیری

با آینه و حراقه) نقل شده است. ۵. رشیدالدین میبیدی در کشف‌الاسرار و عدال‌البرار در تفسیر برخی آیات از شیوه زبان حال سود جسته است. همچنین میبیدی در کتاب الفصول که منسوب به اوست، پیکار آسمان و زمین را که به شیوه زبان حال نقل شده، روایت کرده است. ۶. شهاب‌الدین سمعانی نیز در کتاب روح‌الارواح فی شرح اسماء الملك الفتحا به مسأله تسبیح موجودات پرداخته است همچنین مسأله سخن گفتن مور با سلیمان یا سخن گفتن هدهد یا سگ اصحاب کهف و... سمعانی همچنین مناظره کوتاه خروس و باز را به شیوه زبان حال نقل کرده است. ۷. عین‌القضاة همدانی نیز در آثار خود به مسأله زبان حال توجه داشته و تسبیح همه ذرات ملک و ملکوت را به موسیقی و الحان تعبیر می‌کند. او از زبان دل، نفس، آسمان و زمین، اهل علم و... سخن می‌گوید و حتی در جایی از زبان حال خداوند هم شعری نقل کرده است.

۸. صاحب روضة‌الفریقین، از آثار عرفانی قرن ۶ ه. ق (ناشناخته) نیز در کتاب خود نقل‌های زبان حالی از زبان آب و خاک و آتش و خون و نجاست و اجابت و نیاز و ترس و نماز و ... روایت کرده است.

دکتر پورجوادی در باب ششم بیشتر به سنایی و نظامی پرداخته است. حکیم سنایی غزنوی از شاعران قرن ششم هجری هم در قصاید و هم در حدیقه‌الحقیقه حکایات زبان حالی را روایت کرده است از جمله: گفت‌وگو با شتر، نقل زبان حال کیست، خرد و جهل، اجل و مرگ، ابلیس، باد و... سنایی در مثنوی سیرالعباد الی المعاد نیز به شیوه ارداویرافنامه حکایات زبان حالی دارد. دکتر پورجوادی به مشابهت تعبیر سنایی از زبان حال به «زفان بینش» با تعبیر ناصرخسرو (قول مبصر) و عطار (زبان فکرت) اشاره می‌کند.

از دیگر شاعران که مناظره‌های کوتاه زبان حالی در اشعارشان دیده می‌شود، می‌توان به انوری و رشیدالدین وطواط اشاره کرد. دکتر پورجوادی از این دو شاعر ابیاتی را نمونه‌وار به عنوان شاهد نقل کرده است.

نظامی نیز در مخزن‌الاسرار از جمله در حکایت گفت‌وگوی مناظره‌گونه بلبل و باز و نقلی که از زبان وزیر انوشیروان درباره زبان حال دو مرغ که یکی «این ده ویران» را به مرغ دیگر می‌داد، از زبان حال سود جسته است. همچنین در داستانی دیگر که روباهی و سگی با صیاد سخن، می‌گویند و موارد دیگر. در باب هفتم سخن از سهروردی و مقلدان اوست. شیخ شهید، عمدتاً در سه رساله فارسی «فی حالة الطفولية»، «لغت موران» و «مونس‌العشاق» از این شگرد ادبی استفاده

این شیوه ادبی در آراء و اقوال او پرداخته است. البته تجلی اندیشه‌های او را بیشتر باید در آثار شارحان او جست‌وجو کرد، کسانی مثل شیخ محمود شبستری و عبدالرحمن جامی. تحلیل شایسته دکتر پورجوادی از تعبیرات شبستری در باب تفسیر «انا الحق» حلاج و تعبیر شارحان گلشن راز از این مفهوم و نیز بیان آراء جامی در این باره، حق مطلب را ادا کرده است.

فخرالدین ابراهیم عراقی همدانی (فوت ۶۸۸ ه. ق) نیز در لمعات که به تقلید از سوانح شیخ احمد غزالی تصنیف کرده و آرا و اندیشه‌های ابن عربی آشکارا در آن قابل مشاهده است، در بخشی، در بیان زبان حال عشق چنین سروده است:

عشقم که در دو کون مکانم پدید نیست
عنقای مُغربم که نشانم پدید نیست
ز ابرو و غمزه هر دو جهان صید کرده‌ام
منگر بدان که تیر و کمانم پدید نیست...

عراقی در دیوان نیز از شیوه زبان حال به کرات سود جسته است. حضرت مولانا جلال‌الدین از بزرگ‌ترین شاعرانی است که بزرگ‌ترین اثرش یعنی مثنوی معنوی با روایتی زبان‌حالی (زبان حال نی) آغاز می‌شود.

دکتر پورجوادی در بخش مربوط به حضرت مولانا به این مباحث به طور مشروح پرداخته و شواهد و نمونه‌هایی را هم نقل کرده است: عالم بی‌حرف و صوت، تسبیح جمادات، شهادت اعضا در روز حشر، سخن گفتن دوزخ و بهشت، مخالفت با عقلگرایی، نالیدن ستون‌خانه، شهادت گفتن سنگ و تسبیح جمادات، سخن گفتن کوه قاف با اسکندر، سخن گفتن طلای ناب و طلای تقلبی در دکان زرگر، زبان حال عشق، خری که دعا می‌کند، بچه آهویی در طویله خران، جست‌وجوی مورچگان، سخن گفتن آسمان، سخن گفتن با مرده. دکتر پورجوادی در ضمن بحث در باب حکایات زبان حالی در آثار مولانا، به تفاوت مولانا با غزالی و نیز تفاوت دیوان شمس با مثنوی معنوی نیز اشاره‌ای کرده است.

شیخ اجل سعدی نیز در گلستان و بوستان و دیوان اشعار و مجالس با استفاده از شیوه زبان حال به مضمون‌سازی دست زده است، از جمله حکایت زبان‌حالی گفت‌وگوی سعدی با گلی خوشبوی در حمام یا گفت‌وگوی بیرق و پرده سلطان یا حکایت طوطی و زاغ در گلستان و گفت‌وگوی شخصی با پروانه و گفت‌وگوی پروانه و شمع در انتهای باب

سوم بوستان یا حکایت کرکس دوربین با زغن و نمونه‌های دیگر. از دیگر صوفیان می‌توان به علاءالدوله سمنانی (۷۳۶ - ۶۵۹) اشاره کرد که در «چهل مجلس» مواردی از حکایات زبان‌حالی نقل کرده است.

دکتر پورجوادی به چند مورد از این حکایات اشاره کرده است، از جمله: داستان مورچگان، اسرار شطرنج در رساله‌ای مستقل به نام شطرنجیه که مهرها لب به سخن می‌کشایند، گفت‌وگو با مرده که حکایتی است شگفت و علاءالدوله آن را همچون حکایتی واقعی و خاطره‌گونه نقل کرده است، گفت‌وگو با نفس، واقعه معراج‌گونه‌ای که علاءالدوله سمنانی آن را پس از نوزدهمین چله‌نشینی‌اش خود تجربه کرده است. دکتر پورجوادی در ادامه سخن این واقعه را با آنچه از سنایی و مبارک شاه و عطار نقل شده است، مقایسه می‌کند. علاءالدوله در دیوان اشعار خود نیز حکایات و مناظرهای زبان‌حالی دارد، از جمله گفت‌وگوی بین دل و جان و عقل به زبان حال، یا سخن گفتن گوش و وجود شاعر و عقل و جان در یک قطعه و سخن گفتن هاتف غیبی با علاءالدوله.

شاعران تاریخ ادبیات ایران، حافظ نیز از شیوه زبان حال در شعر خود سود جسته است. از جمله مثلاً به زبان حال نی، چنگ و عود، گل و بلبل، اشاره کرده است و ابیات متعدد شاهد این موارد را دکتر پورجوادی نقل کرده است. هاتف غیبی هم با حافظ سخن می‌گوید و حافظ زبان حال سازها و گل‌ها و بلبلان و هاتف غیبی را که به زبان حال سخن می‌گویند، با گوش هوش یا گوش جان یا گوش دل می‌شنود. حافظ در غزل شور انگیز خود با مطلع:

زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست
بیرهن چاک و غزل خوان و صراحی در دست

در واقع گزارش گونه‌ای از واقعه معراج خود به دست می‌دهد. دکتر پورجوادی تطبیق و تحلیلی عمیق و مستند در باب این واقعه معراج‌گونه ارائه داده است.

اما در دوره معاصر نیز می‌توان استفاده از زبان حال را به عنوان یک شگرد و شیوه ادبی در شعر شاعران این دوره نشان داد. از جمله نمونه‌هایی که از شعر شاعران در کتاب ارزشمند «زبان حال» نقل شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

منظومه بلند «گلزار ادبی» از سید اشرف‌الدین گیلانی، اشعار ترکی میرزا علی‌اکبر صابر، اقبال لاهوری، پروین اعتصامی که بیشترین استفاده از شیوه زبان حال در شعر او دیده می‌شود (زبان‌حال‌هایی از گل،

کتاب «زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی» را می‌توان نمونه‌ای از پژوهش جامع و علمی در حوزه مضامین ادبیات فارسی تلقی کرد و شمار آثار و منابعی که مؤلف برای تألیف کتاب بدانها رجوع کرده و به آنها استناد جسته است (مجموعاً ۵۱۱ مأخذ) تا حد زیادی به خواننده اطمینان می‌دهد که با اثری کاملاً تحقیقی و مستند و علمی مواجه است، نه لفاظی و انشائویسی معمول در برخی آثار پژوهشی در حوزه ادبیات فارسی

هشتم و اوایل قرن نهم موجود است که مناظره کوتاهی میان آسمان و زمین نقل شده است. همچنین در ادامه دکتر پورجوادی به مناظره زمین آسمان در چند مأخذ دیگر اشاره کرده است. در ادبیات فارسی، مناظره روز و شب نخستین بار در اشعار اسدی طوسی مجال ظهور پیدا کرده است. مناظره روز و شب اسدی طوسی، در واقع بخشی از قصیده‌ای است که شعر در مدح ممدوح خود ابونصر احمد سروده است. آغاز مناظره این ابیات است:

بشنو از حجت گفتار شب و روز به هم
نوکلای که ز دل دور کند شدت و غم
هر دو را خاست جدال از سبب پیشی فضل
در میان رفت فراوان سخن از مدح و ز ذم

نزاری قهستانی نیز در یک مثنوی بر وزن حدیقه سنایی (بهار سال ۶۹۹) که به عنوان تحفه‌ای نوروزی برای شاه شمس‌الدین علی، پادشاه نیمروز فرستاده، پیکاری میان روز و شب نقل کرده است. در این مثنوی که حدود ۵۵۰ بیت دارد، گفت‌وگوهای زیبایی در بیان مفاخر و فضایل شب و روز بین آن دو و نیز مخاطباتی میان شاعر و شب و روز نقل شده است و ابیات پراکنده و زیبایی از این مثنوی را دکتر پورجوادی در کتاب ارزشمند «زبان حال» نقل کرده است. رساله «کنزالسالکین» منسوب به خواجه عبدالله انصاری نیز حاوی دو مناظره است؛ یکی میان عقل و عشق و دیگری میان روز و شب.

«مناظرات» منیر لاهوری در مجله «سفینه» (نشریه گروه زبان و ادبیات دانشگاه پنجاب) به همت سیدمحمد فرید منتشر شده است که یکی از آن مناظرات، پیکاری است میان شب و روز آغاز پیکار، گفتار روز است: «روز گفت: نام آفتاب را من روشن کرده‌ام و کار صبح را من پیش آورده‌ام. نور بخشم و صبح جبین سپیدکارم و مهر گزین نوره نور بر زبان رانده‌ام و حدیث مشارق خوانده‌ام. خورشید از من روز بازار می‌جوید. صبح مرا صبحک الله می‌گوید...»

باب هفدهم کتاب «زبان حال» دارای سه بخش است؛ مناظرات و پیکارهای: ۱. گل و مل و باد و ۲. بنگ و باد و ۳. پیکار شطرنج و نرد

۱. گل و مل: گل و مل از اصلی‌ترین موضوعات و بنمایه (Mutif) های ادبیات ایران و به ویژه شعر عاشقانه فارسی است. گفت‌وگوها و مناظرات میان گل و مل را دکتر پورجوادی در دو مأخذ نشان داده است: یکی رساله «گل و مل» ابوسعید ترمذی (نیمه دوم قرن

مور و مار، فرشتگان، امید، نومیدی، نخود و لوبیا، دلو چاه، طناب و دهقان و ...) دکتر پرویز خانلری (زبان حال آهن و زر، گل، باد سحر، عقاب و زاغ)، محمدحسین صغیر اصفهانی از درویش نعمت‌اللهی (گفت‌وگوهای گل و شبنم، خار و بلبل، پروانه و ماهی، شیر و روباه و ... در مثنوی «کتاب و داد بشر»)، نیما یوشیج (زبان حال گل، خم باده، سازهای موسیقی، دل و جان و عقل، غم، ...)

بخش دوم

بخش دوم کتاب ارزشمند «زبان حال» اختصاص به مناظره‌ها دارد. باب شانزدهم به مناظره (۱) خورشید و ماه (۲) زمین و آسمان و (۳) روز و شب می‌پردازد.

از مهم‌ترین منابعی که مناظره‌های خورشید و ماه را می‌توان در آن سراغ گرفت، یکی رساله زین‌الدین سجزی (اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷) است به نام «تشبیه انشقاق ماه مع مناظره الشمس و القمر» و دیگری رساله‌ای است که نسخه‌ای ناقص از آن در دست است. این رساله نثری مسجع دارد و در جنگی متعلق به کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی نقل شده است.

مناظره زمین و آسمان را می‌توان در اشعار اسدی طوسی نشان داد. اسدی طوسی از شاعرانی است که در ترتیب اشعار مناظره‌های شهرتی دارد و از جمله در قصیده‌ای، مناظره‌ای بین زمین و آسمان روایت کرده است.

گفت آن که آسمان به زمین کز تو من بهام

کم فضل از تو بیش و فراوان به صد گوا ...

گفتش زمین که این صلف و لاف و عجب چیست؟

خاموش باش و بس کن از این بیهده هُدا

ابوالمجد تبریزی در «سفینه تبریز» نیز مناظره‌ای بین زمین آسمان دارد که بخشی از آن به جای مانده در همان «سفینه تبریز» مناظره‌ای میان دو عنصر از چهار عنصر (آتش و خاک) موجود است. همچنین ابوالبرکات منیر لاهوتی در رساله‌ای مناظره‌ای میان چهار عنصر (آب و باد و خاک و آتش) نقل کرده است.

دیگر اثر ادبی که دکتر پورجوادی به آن اشاره کرده و مناظره آسمان و زمین را از آن نقل نموده، مثنوی «حالنامه» (یا گوی و چوگان) عارفی هروی (۸۴۲ ه.ق) است. اثر دیگری نیز از مؤلفی ناشناخته در مجموعه‌ای خطی متعلق به کتابخانه حمیدیه (شماره ۱۴۴۷) متعلق به نیمه دوم قرن

۶، دیگری رساله «مناظره گل و مل» اثر محمد زنگی بخاری (اواخر قرن ۷ و اوایل ۸) یا سراج‌الدین قمری آملی از همان عصر. مناظره دیگری میان مویزاب و فقاع عجمیان موجود است که در همان رساله «مناظره گل و مل» اثر محمد زنگی بخاری نقل شده و گفت‌وگویی است میان دو نوشابه مذکور.

۲. پیکار باده و بنگ دو مناظره است میان شراب و حشیش (بنگ) به نظم از سعدالدین فرزند بهاء‌الدین از شاعران قرن ۷ و اوایل قرن ۸ متخلص به «سعد بها» که قدیمی‌ترین مناظره میان باده و بنگ در ادبیات موجود است. متن کامل این مناظره در کتاب «زبان حال» (ص ۴۷۱ - ۴۷۴) نقل شده است.

پیکار دیگری میان باده و بنگ در «سفینه تبریز» (ص ۲۴۰) نقل شده و آن منظومه کوتاهی است به نام سراینده آن که در منابع دیگر صورت کامل آن یافت شده. این منظومه اثر خواجه فضل‌الله عمید سنایی لویکی شاعر هندی (فوت: حدود سال ۶۸۳) است.

در زبان ترکی نیز پیکارهای بنگ و باده وجود دارد، از جمله در دیوان ترکی ملامحمد فضولی شاعر قرن دهم در یک مثنوی ۴۵۰ بیتی به بیان پیکار و مناظره بنگ و باده و یاران هر یک پرداخته است. همچنین یوسف امیری بنا، شاعر و نویسنده ترک پیکاری از بنگ و باده ترتیب داده است.

از ابوالبرکات منیر لاهوری پیکار دیگری در همان مجله سفینه نقل شده است، میان بنگ و کوکنار (کوکنار: پوست خشخاش است که دم کرده باشند). در ادامه دکتر پورجوادی به چند مناظره و پیکار میان چای و قهوه یا قهوه و شراب یا قهوه و قات به زبان فارسی و عربی اشاره کرده است.

۳. پیکارهای شطرنج و نرد را در دو مأخذ می‌توان بی‌گرفت؛ یکی رساله‌ای است در مناظره نرد و شطرنج از حسام‌بن محمد (یا حسام‌الدین محمد) رشید صراف خوارزمی از عهد گورکانیان و دیگری رساله‌ای است به نام قمارخانه به قلم شاهزاده محمدمامین میرزا در عهد ناصرالدین شاه قاجار.

در باب هجدهم، پیکارها و مناظره‌های میان شمشیر و قلم، بزم و رزم، تیر و کمان و گوی و چوگان نقل شده است.

۱. شمشیر و قلم: ردّ پیکارها و مناظره‌های میان شمشیر و قلم را در چند مأخذ می‌توان نشان داد از جمله تقابل شمشیر و قلم در منابع سده‌های اول هجری و اشارات موجود در نصیحة‌الملوک منسوب به غزالی و تاریخ

فخری ابن طقطقی و مقدمه ابن خلدون و رسائل اخوان‌الصفا و ادب‌الکتاب ابوبکر صولی از مواردی است که استاد گرامی دکتر پورجوادی به آنها پرداخته و نقل کرده است. از قدیمی‌ترین منابعی که مناظره قلم و شمشیر را می‌توان در آن دید، رساله‌ای عربی است از احمد ابن بُرد شاعر و نویسنده اندلسی (فوت: ۴۴۵). امیر معزی در قصیده‌ای، مناظره‌ای میان کلک و تیغ ترتیب داده است، دو بیت از آن قصیده:

تیغ گفتا: فخر من زان است کاندر شأن من

گاه و می آمد «و انزلنا الحديد» از کردگار

کلک گفتا: آمد اندر شأن من «نون و القلم»

هم بدین معنی مرا فخر است تا روز شمار

کمال‌الدین بخارایی معروف به کمالی از

شاعران عهد سلجوقی در قصیده‌ای، مناظره‌ای

میان کلک و کف (= دست) آورده است و قلم به

بیان برتری‌های خود می‌پردازد و در مقابل، دست از فضایل خود

سخن می‌گوید و از گرفتن آلات حرب چون کمان و خنجر و حسام

یاد می‌کند.

در زبان عربی هم در قرن هفتم و هشتم مناظره‌هایی میان قلم و

شمشیر دیده می‌شود، از جمله قصیده‌ای از قاضی نظام‌الدین اصفهانی در

مدح شمس‌الدین جوینی صاحب دیوان. همچنین سه مناظره دیگر از:

ابوحفص زین‌الدین عمر بن مظفر معروف به ابن وردی (۷۴۹ - ۶۹۱)،

ابوبکر جمال‌الدین محمدبن محمد فارقی معروف به ابن‌ناتاه (۷۶۸ -

۶۸۶) و شهاب‌الدین قلقشندی (۸۲۱ - ۷۵۶). همچنین مناظره‌ای میان

قلم و شمشیر از یهودا الخریزی (فوت: ۶۲۹) به زبان عبری.

مناظره‌های فارسی دیگری میان قلم و شمشیر در دست است که

دکتر پورجوادی نام و نشان آنها را به تفصیل ذکر کرده است: مناظره‌ای

نقل شده در سفینه تبریز (ص ۲۴۰) از شاعری گمنام به نظم، پیکاری به

نثر فارسی از شاعری گمنام از منشیان دستگاه وزارت خواجه غیاث‌الدین

محمدبن خواجه رشید (قرن ۸)، مناظره‌ای میان شمشیر و قلم در رساله‌ای

به نام «سبع‌المثانی» از خواجوی کرمانی (سال ۷۴۸).

در کتاب تجزیة‌الامصار و تزجیة‌الاعصار، معروف به تاریخ و صاف،

اثر شرف‌الدین عبدالله کاتب معروف به و صاف الحضرة (۷۳۰ - ۶۶۳) هم

رساله مستقلى به نام «منازعة السيف و القلم» موجود است.

رساله فارسی دیگری از محمد بن ابوالفتح یعقوبی طوسی (قرن ۸)

در مناظره شمشیر و قلم موجود است.

آنچه دستمایه دکتر پورجوادی در کتاب
 «زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی» قرار گرفته،
 از موضوعاتی است که برخلاف انتظار، نفوذ گسترده‌ای
 در حوزه ادبیات فارسی و همچنین ادبیات ملل دیگر داشته است و
 از قدیم به عنوان یک شگرد در آفرینش آثار ادبی به کار می‌رفته است

حمیدالدین بلخی که در مقام چهارم پیکارگونه‌ای میان بهار و خزان در آن می‌توان مشاهده کرد، همچنین در مقام بیست و سوم از همان کتاب که به ماتم نباتات در خزان اشاره کرده و گفت‌وگوها، پیکارگونه‌ای است میان بهار و خزان؛ ریاض‌الافکار یارعلی تبریزی، ادیب قرن دهم هجری ریاض‌الافکار پیکاری تمام عیار میان خزان است؛ همچنین محمودبن عثمان لامعی (فوت ۹۳۸ یا ۹۳۹) در «سلطان بهار و شتا» به ترکی، کمال‌الدین حسین ضمیری اصفهانی (فوت ۹۷۳)، قانی شیرازی و میرزا محمدکاظم صبوری خراسانی (فوت ۱۳۲۲ ق) پدر ملک‌الشعرا بهار، منازعه و پیکارهایی میان بهار و خزان دارند.

۲. رمضان و سؤال: حکیم‌الدین ادریس بن حسام‌الدین علی بدلیسی (فوت ۹۲۶) در «مناظره روزه و عید» به نثر مسجع فارسی مناظره‌ای میان رمضان و شوال نقل کرده است. باب بیست و یکم به جان و تن، چشم و دل، زلف و ابرو اختصاص دارد. عناوین این باب بدین شرح است: پیکار جان و تن در بحر القوائد؛ پیکار چشم و دل در «زنگی‌نامه» محمد زنگی بخارایی، پیکار چشم و گوش به نام «مناظره السمع و البصر» در سفینه ابوالمجد تبریزی معروف به «سفینه تبریزی»؛ مناظره زبان و دندان در مثنوی‌ای ۷۰ بیتی از شاعری گمنام به نام «مناظره زبان و دهان» [که غلط نقل شده]. تمام این مثنوی با نشانی نسخه آن در کتاب «زبان حال» نقل شده؛ مناظره زلف و ابرو در رساله فضل‌الله عمر (احتمالاً هندی)؛ مناظره دیگری میان زلف و ابرو با عنوان «الطافته»، احتمالاً از همان فضل‌الله عمر.

باب بیست و دوم در باب عقل و عشق است، با این عناوین:
 ۱. عقل گویا: گویا شدن عقل در حدیث، منقول از غزالی در احیاء علوم‌الدین؛ عقل نصیحتگر و دانا، که در اشعاری از ظهیرالدین فاریابی، خیام، عثمان مختاری و نیز در سندبادنامه ظهیرالدین سمرقندی جلوه‌گر است.

۲. گفت‌وگوهای عقل و عشق: عقلی که ضد عشق است، با استناد به احیاء علوم‌الدین غزالی و رساله عشق و عقل نجم‌الدین رازی، فخرالدین اسعد گرگانی؛ عقلی که تا حدی رهبر عشق است، با استناد به کتاب لویح منسوب به عین‌القضاة همدانی میانجی، حضرت مولانا و همای تبریزی؛ در «کنز الرموز» امیرحسینی هروی؛ در دیباجه دیوان ملک‌محمود تبریزی (فوت: ۶۹۶) که توسط ملک مظفر تبریزی نوشته شده و قدیم‌ترین اثر منثور مناظره عقل و عشق است؛ در «اسرار الشهود»

میرسید شریف جرجانی، ادیب معروف (۸۱۶ - ۷۴۰) نیز قصیده‌ای دارد در مناظره میان تیغ و قلم.

جلال‌الدین احمد خوافی سراینده مثنوی گل و نوروز نیز رساله‌ای در پیکار شمشیر و قلم دارد.

خواجه مسعود قمی (فوت: ۸۹۰) بلندترین پیکار شمشیر و قلم را در اثری منظوم از خود بر جای گذاشته است. در بین مناظرات ابوالبرکات منیرلاهوری (چاپ شده در مجله سفینه) مناظره‌ای میان شمشیر و قلم نیز دیده می‌شود. همچنین در زبان ترکی، مناظره‌هایی میان شمشیر و قلم دیده می‌شود.

۲. رزم و بزم: دکتر پورجوادی به مناظره‌ای میان رزم و بزم در رساله‌ای به نثری متکلفانه ظاهراً اثر صابین‌الدین ابن ترکه اشاره کرده است.

۳. تیر و کمان: در مناظره‌های اسدی طوسی، پیکاری میان تیر و کمان دیده می‌شود همچنین در مثنوی «شاه و درویش» هلالی جغتایی (فوت: حدود ۹۳۶) پیکاری میان تیر و کمان نقل شده است.

۴. گوی و چوگان: نخستین کسی که پیکاری میان گوی و چوگان نقل کرده، وصاف‌الحضرة در تاریخ وصاف است.

باب نوزدهم کتاب ارزشمند «زبان حال» در باب دولت و عقل و علم است. پیکارهایی را که میان دولت و عقل و علم و حلم و بخت در گرفته (و البته تا روزگار ما هم موضوع بلامنازع کلاس انشای مدرسه بوده: علم بهتر است یا ثروت!) می‌توان در چهار مأخذ نشان داد: مناظره دولت و عقل در بحر القوائد، مناظره عقل و علم و حلم و دولت در رساله‌ای به نثر مسجع مربوط به قرن ۷ از نویسندگانی گمنام، مناظره عقل و دولت در ضمن مثنوی داستانی «مناظره تیغ و قلم» که پیشتر از آن یاد شد، از مسعود قمی (فوت: ۸۹۰)، پیکار عقل و دولت و بخت در مثنوی بلندی به نام «گلشن لطافت» سروده میرزا قاسم ساغرچی متخلص به «هنشی» و «انشایی» (فوت: ۱۰۰۵).

باب بیستم به فصل‌ها و ماه‌های سال اختصاص دارد.

۱. بهار و خزان: دکتر پورجوادی مأخذ عمده حاوی پیکارهای بهار و خزان را بدین شرح نام می‌برد: «سلوة الحرّیف به مناظره الربیع و الخریف» اثر جاحظ (۲۵۵ - ۱۵۰ هـ)؛ قصیده بهاریه‌ای از منوچهری دامغانی شاعر معروف ایرانی که جنبه زبان حالی دارد (سروده شده در سال ۴۳۰)؛ قصیده بهاریه انوری ابیوردی که در ضمن آن پیکار گل سرخ که نماینده بهار است با سرو نقل می‌شود؛ مقامات حمیدی اثر

اسیری لاهیجی (فوت: ۸۶۹)، شارح معروف گلشن راز شبستری، تحت عنوان «در بیان حقیقت عشق و آثار و احکام آن»؛ رساله «عقل و عشق» یا «مناظرات خمس» ابن ترکه اصفهانی (۸۳۵ - ۷۷۰)؛ در آثار نویسندگان دیگر، از جمله «سلوة الطالبین» امیرالدین نزل آبادی، «المقالات الخیالیة فی مناظرة العشق و العقل» از نویسندگانی گمنام، رساله «حسن دل» و مثنوی «دستور عشاق» فتاحی نیشابوری؛ مخاطبه عقل و عشق در صحرای کربلا در زبده الاسرار میرزا حسن صفی‌علیشاه اصفهانی (فوت: ۱۳۱۶)؛ اشعار عمّان سامانی (فوت: ۱۳۲۲) در مدح حضرت علی (ع) در گنجینه الاسرار.

باب بیست و سوم: پیکارهای اشخاص

۱. دو مناظره از اسدی طوسی: پیکار ایرانی و عرب در اثبات برتری ایرانیان، پیکار مسلمان و زردشتی در قصیده‌ای ۱۰۸ بیتی
۲. مناظره‌های حمیدی در «مقامات»: مناظره طرفدار عقل و طرفدار نقل، مناظره طبیب و منجم.

۳. در گلستان سعدی و زنگی‌نامه: جدال سعدی با مدعی، نزاع جهود و مسلمان در گلستان سعدی، مناظره سیاح و صوفی در «زنگی‌نامه» محمد زنگی بخاری (قرن ۷ و ۸)
باب بیست و چهارم: مناظره در داستان‌های عشقی.

۱. ده نامه شرف‌الدین رامی (فوت: ۷۹۵): مناظره پیکار شانه و آیین، پیکار گوشواره و گردن‌بند، پیکار یاره و انگشتری، پیکار گالیه و نگار، پیکار شمع و مجمر.

۲. «حسن و دل» یا «دستور عشاق» فتاحی نیشابوری (فوت: ۸۵۳): مناظره سازها و نباتات از جمله چهار مناظره به زبان حال میان دف و گل، نی و نخل، چنگ و بنفشه، کاسه و نرگس.

باب بیست و پنجم: مناظره‌های عاشقانه

۱. مناظره سرو و آب: قصیده نظام‌الدین اصفهانی (فوت: حدود ۶۸۰)، غزل ناصرالدین منشی از معاصران نظام‌الدین اصفهانی.

۲. «محبت‌نامه» عماد فقیه کرمانی (فوت: ۷۳۳) دارای هشت مناظره از زبان موجودات مختلف: روح و بدن، ذره و خورشید، آهن و مغناطیس، کاه و کهربا، نحل و نخل، شمع و پروانه، گل و بلبل، پیل و پشه.

باب بیست و ششم: تفنن‌های علمی و هنری (پارسی، تازی، ترکی)

۱. تفنن‌های علمی: در بخشی از پیکارها، مناظره طبیبی متطبّب قونیوی در رساله «مناظره میان دل و دماغ»، مناظره مزاج‌های چهارگانه

(خون و بلغم و صفرا و سودا) در «حسن و دل» ملامحمد فضولی، مناظره منجم ایرانی و طبیب یونانی در رساله «منیة‌اللیب» سیدمحمد مؤمن پسر محمدقاسم جزایری (۱۱۳۰ - ۱۰۷۴)، مفاخره میان علوم در رساله‌ای از ابوالعباس احمدبن علی قلقشندی که علوم متفاوت سخن از خود می‌گویند، علوم چون: علم لغت، علم تاریخ، نحو، موسیقی، تعبیر رؤیا، احکام نجوم، طلسمات، هیئت، هندسه، کشاورزی، علم المناظر، علم‌المرایا المحرقه، کیمیا، اقسام علم حساب و ارنماطیقی، جبر و مقابله، فقه، اصول فقه، منطق، تفسیر، حدیث، علم الهی، تصوف، تدبیر منزل و اخلاق.

۲. تفنن‌های هنری: پیکار نظم و نثر در دیباچه ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی بر «سفینه تبریز»، مناظره سازها در رساله‌ای به زبان ترکی به نام «رودچامه نینگ ارسینده مناظره و مباحثه» از مؤلفی ناشناخته، احتمالاً احمد داعی نویسنده «چنگ‌نامه» که مناظره عود، چنگ، قیوز (گیتار)، یاتوقان، رباب، قیچک، کنگره است.

بخش سوم

عنوان بخش سوم کتاب ارزشمند «زبان حال»، «مفاهیم و مضامین و گونه‌های ادبی» است، این بخش دارای ۱۰ باب است. فهرست تفصیلی مطالب بخش سوم از این قرار است:

باب بیست و هفتم: هاتف غیبی و زبان حال:

هاتف کیست؟ عقیده به هاتف در میان عرب‌ها؛ هاتف واقعی است یا موهوم؟؛ واقعی بودن آواز هاتف که دکتر پورجوادی در این بحث به اقوالی از آثار روزبهان بقلی شیرازی در مشرب‌الارواح، جوینی در جهانگشا، عطار در تذکرة‌الاولیاء و منطق‌الطیر، اسرارنامه و الهی‌نامه، ابن عربی در محاضرات‌الابرار، راوندی در راحة‌الصدور، بغدادی در تاریخ بغداد، امام قشیری در رساله قشیریه، محمد بن منور در اسرارالتوحید، ابن خفیف در سیرت ابن خفیف، سعدی در بوستان، حضرت مولانا در مثنوی، شیخ محمود و ... استناد کرده است؛ هاتف چونان شگردی ادبی؛ هاتف و سروش؛ انگیزه شاعران و نویسندگان؛ گوینده ماده تاریخ که به ماده تاریخ گفتن شاعران و نویسندگان به مدد هاتف غیبی و موجودات زبان حالی دیگر به‌خصوص عقل یا خرد اشاره شده است.

باب بیست و هشتم: آواز صراحی

مرغ صراحی؛ گفت و گو با صراحی و جام؛ مفاخره باده و صراحی در اشعار بیدل دهلوی.

باب بیست و نهم: نردبان معرفت

خداشناسی و داستان‌های تمثیلی؛ داستان مورچگان در دو کتاب

دکتر پورجوادی:

مراد از زبان حال، همان حالتی است که در صورت شخص یا حیوان نمودار می‌شود. با توجه به مثال کودک [که در حالت گرسنگی می‌گرید و آثار آن حالت در چهره و تمام وجود او پیدا و آشکار است] می‌توان گفت که حالت گرسنگی و بیتابی او به مراتب گویاتر از آن است که مثلاً شخص بزرگسالی بگوید من گرسنه‌ام... زبان حال، نمایش حالت یا صفتی درونی است و لذا هر بیننده‌ای می‌تواند با دیدن این نمایش پی به خود آن حالت یا صفت ببرد

نالۀ نی و شکایت از جدایی، که نمونه‌های آن از چند رباعی منقول در نزهةالمجالس جمال خلیل شیروانی آغاز می‌شود و تا مثنوی ریحیق‌التحقیق مبارک‌شاه ادامه می‌یابد؛ نالۀ نی و شکایت او از جدایی در رباعیات اوحدالدین کرمانی؛ نالۀ نی در نی‌نامه مولوی؛ سرّ نی در مثنوی «ذیل سیرالعباد» سروده حکیم اوحدالدین طیب‌رازی؛ سرّ دف و رباب؛ «رباب‌نامه» سلطان ولد فرزند حضرت مولانا؛ در «دقایق الطریق» احمد رومی از پیروان حضرت مولانا (سروده شده به سال ۷۲۵)؛ مثنوی «چنگ‌نامه» احمد داعی به زبان ترکی (سروده شده به سال ۸۰۸)؛ در مثنوی «جمال و جلال» از امین‌الدین نزل‌آبادی سروده نیمه اول قرن نهم در مشهد؛ در مثنوی «محمود و ایاز» محمدحسن خوانساری معروف به زلال (فوت: ۱۰۲۵)؛ در «مخزن‌الاسرار» نور علی‌شاه اصفهانی (فوت ۱۲۱۲) درویش نعمت‌اللهی؛ سخنان دیگر سازها، از جمله عود و چنگ؛ گفت‌وگوی نی با حضرت علی در مثنوی «جوهرالذات» منسوب به عطار نیشابوری؛ گفت‌وگوی نی و آتش در یک قطعه مثنوی از شرف‌الدین میرزا محمد مجذوب تبریزی (فوت: ۱۰۹۳)؛ سازها در مثنوی «محیط اعظم» میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی (فوت: ۱۱۳۰)؛ «ساقی‌نامه» مولانا محمد فضولی (فوت ۹۶۳)

۲. از زبان موجودات دیگر: سرگذشت نان و جدایی او از اصل خویش، از زبان جلال‌الدین عتیقی در سال ۷۱۸، به نقل ابوالمجد محمد تبریزی، صاحب سفینه تبریز؛ حدیث جدایی از زبان گوی و چوگان در مثنوی «حالنامه» مولانا محمود عارفی هروی در اواسط قرن نهم؛ مثنوی کوتاه «اسرار چنگال» از بسحاق اطعمه که خود البته جواب مثنوی‌ای از مولانا نجمی است؛ اسرار کمان حلاجی در شعری از شاعری ناشناخته به نام احمدی که از زبان زه و پنبه و موم و ساقری و چوب، احوالی بیان می‌کند.

باب سی و دوم: پروانه و شمع: در «روضه‌الفریقین»؛ در اشعار عطار نیشابوری؛ در اشعار سعدی شیرازی؛ در «روضه خلد» اثر مجد خوافی؛ پروانه، معلم بلبل؛ جدایی شمع از اصل خود؛ عاشقی شمع؛ در مثنوی «جمشید و خورشید» سلمان ساوجی؛ در «هدایت‌نامه» ناصر بخارایی (فوت: حدود ۷۸۴ تا ۷۹۰)؛ در «انیس‌العارفین» شاه قاسم انوار (فوت: ۷۳۷)؛ مثنوی «شمع و پروانه» اهلی شیرازی (فوت: ۹۳۳ یا ۹۴۲)؛ مثنوی کوتاهی از ملا غلامرضا حیران؛ در مثنوی «بحر محیط» مولانا بیدل دهلوی.

باب سی و سوم: گل و بلبل

احیاء علوم‌الدین و کیمیای سعادت غزالی؛ درجات توحید و داستان نوشته و کاغذ در کتاب احیاء علوم‌الدین غزالی؛ داستان کاغذ و علت نوشته روی آن در مثنوی «رحیق‌التحقیق» مبارک‌شاه مرورودی (فوت: ۶۰۲) که مناظرهای است از زبان حال کاغذ، قلم، علم و قدرت؛ داستان کاغذ و نوشته در «سلک‌السلوک» ضیاء نخشبی (فوت: ۷۵۱)؛ داستان کاغذ و نوشته در مثنوی عرفانی اثر جلال‌الدین عتیقی تبریزی (فوت: ۷۴۱) که در «سفینه تبریز» هم نقل شده است. در این مثنوی گفت‌وگوهایی از زبان آهویی که تیر خورده، تیر، لوح، فرشته و قلم می‌خوانیم.

باب سی‌ام: فلسفه زندگی و مرگ

۱. پرسش و پاسخ‌های فلسفی: پرسش‌های دیو گاوپا در مرزبان‌نامه سعدالدین وراوبنی؛ گفت‌وگوی نفس و عقل در «حکیم‌نامه» یا «اجتماع علامه» به نثر از اوحدالدین رازی (تصنیف در حدود ۶۷۰).

۲. معراجیه‌های فلسفی - عرفانی: سخن گفتن با ستارگان و افلاک در قصاید، از جمله قصایدی از خاقانی، رشیدالدین وطواط، انوری، رضی‌الدین امامی هروی یاد شده است؛ قصیده معراجیه فرید احوال که گفت‌وگوی شاعر با خرد است، به سبک حی بن یقظان ابن‌سینا، سیرالعباد سنایی و حکیم‌نامه اوحدالدین کرمانی؛ قصیده معراجیه خواجه نصیرالدین طوسی؛ «کمال‌نامه» خواجوی کرمانی (فوت ۷۵۳ یا ۷۶۲)؛ «معراج‌الخیال» علیرضا تجلی، شاعر عهد شاه‌عباس دوم که مثنوی‌ای است در سیر سالک در عالم صغیر و مراتب باطنی انسان؛ مثنوی «مصباح الارواح» شمس‌الدین محمد بردسیری کرمانی

۳. بی‌وفایی دنیا و تعالیم اخلاقی:

اندرز مردگان، با اشاراتی به اقوال و آثار فردوسی، خیام، سنایی، عطار و ...؛ شکایت از روزگار و موعظه‌گری، در گفت‌وگو با روزگار، با استناد به کتاب «التوسل الی التوسل»؛ موعظه ظهیر فاریابی به زبان حال حور در قصیده‌ای در مدح نصیرالدوله وزیر؛ بی‌وفایی دنیا و موعظه‌های دیگر، در مثنوی «مهر و مشتری» از مولانا محمد عصار تبریزی (فوت ۷۹۲ یا ۷۹۳) که قصیده‌ای دارد و در آن از زبان حضرت قدس، مهندس تقدیر، زمانه و دنیا سخن از بی‌وفایی دنیا می‌گویند.

باب سی و یکم: حدیث جدایی، از زبان سازهای موسیقی و موجودات

دیگر

۱. از زبان سازهای موسیقی:

رساله چنگ به نثر احتمالاً از کمال‌الدین مراغی (فوت ۶۶۵)؛

از مباحث مهمی که غزالی در احیاء علوم الدین در باب جایگاه و اهمیت زبان حال در علم تفسیر قرآن به آن پرداخته، یکی مسأله تسبیح موجودات به زبان حال است

به عبید زاکانی ولی نه از او (سروده شده به سال ۸۷۷)؛ بسحاق اطعمه و نقیضه‌سازی‌های او؛ مثنوی «جنگنامه» بسحاق اطعمه به پیروی از شاهنامه فردوسی؛ رساله «بغرانامه» یا «ماجرای برنج و بغرا» از بسحاق اطعمه؛ نظام قاری و زبان حال البسه، در دیوان اشعار او معروف به دیوان البسه؛ در داستان‌های اخلاقی؛ مثلاً در اشعار عطار نیشابوری؛ دامادی که شب زفاف از حجله گریخت، در مثنوی «طاق‌دیس» از ملا احمد نراقی (فوت: ۱۲۴۴ یا ۱۲۴۵)؛ تقاضای کاغذ، رقعهای است از منشی‌ای به نام امام قلی بیگ صائغ که برای ولی‌نعمت خود فرستاده و تقاضای کاغذ کرده (اواخر قرن ۱۱ یا اوایل قرن ۱۲)؛ در نشریات جدید؛ در ضرب‌المثل‌های عامیانه.

باب سی و ششم: در روضه و تعزیه

در «روضه‌الشهدا» ملاحسین کاشفی؛ در مثنوی «روضه‌الاسرار» سروش اصفهانی (۱۲۸۵ - ۱۲۲۸)؛ در تعزیه.

در پایان کتاب، کتابنامه، فهرست آیات و احادیث، اعلام و فهرست مفاهیم و مضامین، مناظره‌ها و حکایت‌ها و گفت‌وگوها به ارزش کتاب افزوده و راهنمای سودمندی برای پژوهشگران جهت استفاده بهتر از کتاب محسوب می‌شود. در مجموع کتاب ارزشمند «زبان حال در عرفان و ادبیات فارسی» تألیف استاد گرامی جناب آقای نصرالله پورجوادی را می‌توان نمونه‌ای از پژوهش جامع و علمی در حوزه مضامین ادبیات فارسی تلقی کرد و شمار آثار و منابعی که مؤلف برای تألیف کتاب بدانها رجوع کرده و به آنها استناد جسته است (۴۳۱ مأخذ فارسی و عربی، اعم از کتاب و مقاله، ۷۹ مأخذ به زبان‌های دیگر به خط لاتین، اعم از انگلیسی و فرانسه، مجموعاً ۵۱۱ مأخذ) تا حد زیادی به خواننده اطمینان می‌دهد که با اثری کاملاً تحقیقی و مستند و علمی مواجه است، نه لفاظی و انشانویسی معمول در برخی آثار پژوهشی در حوزه ادبیات فارسی. مؤلف محترم در پیشگفتار کتاب نیز به طولانی بودن زمان تدوین این کتاب اشاره کرده است و کثرت منابع و تعدد حوزه‌هایی که در کتاب مطرح شده، مؤید این سخن است. متأسفانه در کنار چاپ زیبای کتاب، برخی اغلاط چاپی خواننده را آزار می‌دهد و این البته در چاپ‌های بعدی قابل اصلاح است و از ارزش کتاب نخواهد کاست.

پی‌نوشت:

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

۱. سرنوشت گل و شوریدگی بلبل: کوتاهی عمر گل؛ در آنش گلابگیر؛ همنشینی با خار؛ نغمه بلبل؛ رباعیات تضمینی.

۲. مجالس مرغان و گل‌ها و ریاحین: قصیده معروف «منطق الطیر» خاقانی؛ مجالس گل‌ها از جمله در رساله‌ای عربی از ابن بُرد اصغر (فوت: ۴۴۵) و بعداً در اشعار فرخی سیستانی و مثنوی «حقیق‌التحقیق» فخرالدین مبارک‌شاه مرورودی و الهی‌نامه عطار و قصیده‌ای از ظهیر فاریابی و اشعاری از برخی شاعران منقول در بیاض تاج‌الدین احمد وزیر و برخی رباعیات خیام و سنداننامه ظهیری و عیسی نکته‌دان (فوت: ۱۳۰۵)؛ ترجیع‌بند «کشور دل» از ناصر بخارایی؛ غزل‌های مولانا و مجلس سماع گل‌ها؛ صفت نوبهار در «ظفرنامه» حمدالله مستوفی؛ در مثنوی «جمشید و خورشید» سلمان ساوجی (فوت: ۷۷۸)؛ در مثنوی «مونس‌العشاق» سروده عمادالدین عربشاه یزدی (در سال ۷۸۱)؛ مناظره با گل‌ها در مثنوی «جمال و جلال»؛ در مثنوی «چهار چمن» شاه داعی شیرازی (فوت: ۸۷۰)؛ مثنوی «رمز الریاحین» از محمدهادی بن حبیب‌الله معروف به رمزی کاشی (تولد: حدود ۱۰۴۰).

۳. بلبل‌نامه‌ها: حکایت بلبل در منطق الطیر عطار؛ مثنوی «بلبل‌نامه» یا «گل و بلبل» منسوب به عطار؛ نزهت الاحباب، منظومه‌ای منسوب به عطار؛ «بلبل‌نامه» علی گیلانی از قرن دهم؛ منظومه «گل و بلبل» میرزا کاظم مهجور همدانی.

باب سی و چهارم: داستان‌های عشقی

مثنوی «دستور عشاق» یا «حسن و دل» فتاحی که داستان دلدادگی دل، پسر عقل به حسن، دختر عشق است؛ رساله «انیس‌العاشقین» سیدحسین ابیوردی یا باوردی (فیضی) در نیمه دوم قرن نهم که روایتی دیگر از سرگذشت عشق و حسن و دل است؛ رساله «حسن و عشق» یا «صحت و مرض» مولانا محمد فضولی که داستان رابطه حسن و عشق و روح است؛ رساله‌ای از دوره صفویه در باب حسن و دل و روح و معرفت از نویسندگانی ناشناخته؛ داستان‌های دیگر.

باب سی و پنجم: در هزل و طنز

دعوی زن و مرد در مقامات حمیدی؛ جنگ زن جوان و شوهر پیر در گلستان سعدی؛ هجویات و مطایبه‌ها، از جمله در اشعار انوری، سوزنی سمرقندی، کمال‌الدین اصفهانی و ابن‌یمین؛ شخصیت زبان حالی شیطان و فرشتگان؛ گفت‌وگوی سازها؛ در اشعار عبید زاکانی؛ رساله «ریش‌نامه» عبید زاکانی؛ مناظره‌ای بی‌پرده در رساله‌ای به نام «کنز‌اللطایف» منسوب